گستره جغرافیایی مناطق شیعه‌نشین و تأثیر آن بر رونق علم کلام، فقه و حدیث در عصر غیبت صغری

دکتر پروین‌دخت اوحدی حائری
استادیار دانشگاه تربیت‌معلم تهران

چکیده:

یکی از مسائل مطرح، در بررسی وضعیت فکری شیعیان، توجه به پراکندگی شیعیان درشهرهای مختلف وشناخت حوزه‌های‌علمی شیعه در دوران‌غیبت‌صغری است.

گزارش‌های منابع جغرافیایی و دیگر منابع حاکی از این است که شیعیان در نواحی مختلف سرزمین‌های اسلامی می‌زیستند، بدیهی است پراکندگی شیعیان در شهرهاونواحی مختلف تأثیرچشمگیری درگسترش علوم وعقایدتشیع داشت و حوزه‌های علمی متعددی را پدید آورد، و منشأ تحولات چشمگیری در نظام علمی و اندیشه‌های شیعیان گردید. شکل‌گیری و تکوین اولیه این تحولات در عصر غیبت صغری صورت گرفت و دستاوردهای آن چند دهه بعد بروز یافت. معرفی ویژگی‌های شهرهای شیعه‌نشین و تلاش علمای بزرگ شیعه در این شهرها به منظور گسترش علوم اسلامی این دوران، محور اصلی این مقاله می‌باشد دوره موردمطالعه از ۲۶۰ تا ۳۲۹ بوده است.

کلید واژه: غیبت صغری، امام عصر (عج)، شیخ مفید، شیخ صدوق، کلینی، خراسان، عراق، ایران، ماوراءالنهر.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مقدمه

گزارش‌های منابع جغرافیایی و دیگر منابع حاکی از این است که شیعیان در نواحی مختلف سرزمین‌های اسلامی می‌زیستند. شهر قم و کوفه از شهرهای مهم شیعه‌نشین در قرن چهارم بودند چنان‌که اصطخری در المسالک و الممالک گفته است: که مردم قم همه مذهب تشیع داشتند.

کوفه اگرچه دارای سابقه تاریخی از جهت گرایش‌های شیعی بود و اولین شهر از این حیث به شمار می‌آمد، در این دوران از نظر تراکم جمعیتی در مرتبه دوم قرار گرفته بود و دو محله کرخ و باب‌الطاق از محلات معروف و مرکز شیعیان شهر بود. در خراسان شهرهای نیشابور، بیهق، مرکز سکونت شیعیان بود.

وجود وکلای امام عصر در این دوران در نواحی مزبور، مؤید این مطلب است. همچنین وجود وکیلان امام در شهرهای دیگری چون قزوین، همدان، کرمانشاه، آذربایجان نیز دلیل بر وجود جمعیت شیعه در این نواحی بود. از جمله شهرهای شیعه‌نشین در این عصر، شهرری بود که مردم آن دارای گرایش قوی شیعی بودند و محدثان و فقیهان برجسته‌ای در این شهر به سرمی‌بردند. بدیهی است پراکندگی شیعیان در شهرها و نواحی مختلف تأثیر چشمگیر در گسترش علوم و عقاید تشیع داشت و حوزه‌های علمی متعددی را پدید آورد.

در شهرهایی که شیعیان از برتری جمعیتی برخوردار بودند فعالیت‌های علمی آن نیز توسعه بیشتری داشت و غیبت امام دوازدهم (عج) نیز موقعیتی را به وجود آورد که بیش از پیش بر ضرورت فعالیت‌های علمی تأکید می‌کرد. این موقعیت به سبب تغییر در مبانی مرجعیت علمی تشیع پدید آمده بود و منشأ تحولات چشم‌گیری در نظام علمی و اندیشه‌های شیعیان گردید که شکل‌گیری و تکوین اولیه این تحولات در عصر غیبت صغری صورت گرفت و دستاوردهای آن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

چند دهه پس از غیبت صغری بروز یافت و دوران شکوفایی فرهنگی تشیع را پدید آورد.

تلاش‌های عالمان شیعه امامیه در عصر غیبت صغری

در دوران حضور ائمه علیهم‌السلام، مرجع اصلی شیعیان در مسائل علمی، امامان معصوم بودند. شیعیان با ارتباط مستقیم با ائمه (ع) آنچه را نیاز داشتند فرامی‌گرفتند. علما و محدثان نیز، علوم اهل‌بیت را فرامی‌گرفتند و برای دیگران نقل می‌کردند. بدین‌ترتیب این علوم در بلاد اسلامی منتشر می‌شد. برای کسانی که دسترسی به امام برایشان میسر نبود، همین علما و محدثان، مرجع علمی آنان بودند. با شکل‌گیری نظام وکالت، وکیلان ائمه (ع) در شهرهای دور و نزدیک، محل رجوع مردم شدند. آنها در واقع رابطان میان مردم و امامان بودند. آغاز غیبت صغری و عدم‌حضور امام (ع)، که رکن اصلی تشیع و تکیه‌گاه شیعیان در مسائل بود را می‌توان بحرانی در بعد علمی و فرهنگی در مذهب تشیع تلقی کرد. از این‌رو، تأسیس نظام نیابت در این دوران در واقع حرکتی در جهت کاهش صدمات حاصل از آن بود. نایبان خاص امام (ع) که از عالمان برجسته و اصحاب ائمه و کسانی بودند که سال‌ها در ارتباط با ایشان بودند، اینک معتبرترین مصدر علمی محسوب می‌شدند، زیرا آنها تنها راه ارتباطی با امام علیه‌السلام بودند. در واقع، یکی از شئون مهم آنها حل همین مشکلات و مسائل مستحدثه برای شیعیان بود. آنان در مسائل کلامی و اعتقادی در این عصر که امکان دسترسی به امام معصوم برای همگان میسر نبود، مرجع تعیین حقانیت و جلوگیری از انحرافات بودند. در این زمینه رویارویی با عقاید انحرافی، فرقه‌ها و نحله‌های مختلف، اهمیت داشت.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

گذشته از نواب خاصه، وکیلان امام (ع) در شهرها، مرجع شیعیان در آن ناحیه محسوب می‌شوند. نظام وکالت در عصر غیبت، به طورگسترده به کار خود ادامه می‌داد، امام علیه‌السلام، در کلیه نواحی که شیعیان سکونت داشتند وکیلانی داشتندکه به امورآنها رسیدگی کرده و رابط آنها با نواب اربعه به حساب می‌آمدند. این وکیلان از حیث شناخت و معرفت بویژه در مسأله امامت نسبت به سایر مردم برتری داشتند.

سومین مرجع علمی شیعیان در این عصر، فقیهان و محدثان بودند، در واقع، مرجعیت این گروه امری بود که باید در این دوران تثبیت و تحکیم می‌شد. اگرچه در زمان حضور ائمه (ع)، گاه فقیهان و محدثانی از طرف ائمه (ع)، به عنوان مرجع شیعیان معرفی می‌شدند، با این حال حضور امام (ع) مانع از آن بود که آنها به چنان موقعیت ممتازی دست یابند. لیکن دوران غیبت، وضع را برای این امر مهیا کرد به طوری که تا پایان غیبت صغری به قطعیت نسبی رسید و در نهایت با صدور توقیعی که از طرف امام زمان (عج) در پایان این عصر منتشر شد مردم را در حوادث پدید آمده به محدثان و فقیهان ارجاع داده بود.[1] در دوران غیبت صغری، فعالیت‌های علمای شیعه در دو قالب کلی فعالیت‌های آموزشی و تألیف آثار علمی صورت می‌گرفت. مهم‌ترین تلاش آنان در زمینه‌های کلامی، حدیثی و فقهی بود.

۱- امام عصر (عج) در توقیع اسحاق بن یعقوب، که به دست نایب دوم، محمدبن عثمان، صادر گشت، فرمود: **و اما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الي رواة حدیثنا فانهم حجتي علیکم و انا حجةالله**. اما رویدادها و پیشامدهایی که در آینده روی خواهدداد، درباره آنها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا که آنها حجت من بر شمایند و من حجت خدا می‌باشم، صدوق کمال‌الدین، ج۲، حدیث۴، ص۴۸۳.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مباحث کلامی

طرح مباحث کلامی، اگرچه به دوران قبل از عصر غیبت مربوط بود و شکل‌گیری کلام شیعی را می‌توان به دوران امام صادق (ع) و شاگردان آن حضرت نسبت داد طبقه اول متکلمان شیعه را شاگردان برجسته امام ششم و امام هفتم، تشکیل می‌دادند. کسانی چون هشام بن حکم و هشام بن سالم، محمد بن نعمان، مؤمن الطاق و دیگران که اکثراً در مرکز بروز کلام شیعی یعنی در شهر کوفه، می‌زیستند. عصر غیبت صغری، دوران ظهور طبقه دوم متکلمان شیعه بود. تا این زمان مرکز مکتب کلامی شیعه، شهر کوفه بود که در برابر مکتب اعتزالی بصره در تقابل دائم به سر می‌برد. اما با پیدایش شهر بغداد به دلیل موقعیت ممتاز کلامی آن تا حد زیادی از اهمیت کوفه کاسته شد. در این عصر مرکزیت کلامی شیعه به بغداد منتقل شد.

بی‌شک در شکل‌گیری این مکتب کلامی و تکوین آن در عصر غیبت صغری، برخورد با نظریات کلامی معتزلیان و آرای فرقه‌ها و نحله‌های مختلف اسلامی و غیراسلامی که به وفور در بغداد حضور داشتند، بی‌تأثیر نبود.

در این عصر متکلمان بزرگی در بغداد و دیگر شهرها و حوزه‌های علمی شیعه ظهور کردند که مهم‌ترین آنها خاندان نوبختی بودند.

آنان از نژاد ایرانی بغداد بودند و بسیاری از افراد این خاندان در دستگاه خلافت، مناصب اداری و دیوانی داشتند و چند تن از آنان به وزارت رسیدند و حسین بن روح از این خاندان بود. ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی که ریاست شیعیان بغداد را برعهده داشت، برجسته‌ترین فرد این خاندان بود. شیخ طوسی در کتاب فهرست خود بیش از سی کتاب از وی نام برده است که اکثراً در مباحث کلامی، و موضوع آنها امامت و رد بر سایر فرق شیعی و معتزلیان است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

پس از او حسن بن موسی نوبختی (متوفی ۳۱۰هـ) متکلم و فیلسوف بزرگ شیعه در بغداد بود که در مباحث کلامی و فلسفی بر معاصرانش برتری داشت. نزد او همواره عده‌ای از مترجمان آثار فلسفی گرد می‌آمدند. وی دارای تصنیفات متعددی در کلام و فلسفه بود. از جمله کتاب الآراء و الدیانات، مجموعه‌ای کلامی بود که به اتمام آن موفق نگردید.

از دیگر کتاب‌های وی، کتاب فرق‌الشیعه توحید کبیر و توحید صغیر و کتاب‌هایی در رد بر قائلان به تناسخ و غلات نوشته است.

شخصیت‌های دیگری از خاندان نوبختی در این عصر می‌زیستند که هریک در علم و ادب سرآمد بودند و می‌توان به ابوجعفر، برادر ابوسهل نوبختی اشاره نمود که در دوره غیبت صغری از سوی سفرای امام عصر توقیعاتی در حق وی صادر شده است.

توزیع جغرافیایی حوزه‌های کلامی

حوزه کلام در ری

یکی از حوزه‌های شیعی که مکتب کلامی در آن رواج داشت، شهرری بود. در این شهر به رغم تأثیرپذیری شدید از حوزه حدیثی قم، کلام شیعی بروز و ظهور خاصی داشت. این امر بیشتر به دلیل رویارویی عالمان شیعه امامیه با معتزلیان و زیدیان ری بود.

ابن قبه رازی از متکلمان ممتازی بود که در این شهر بسر برده و کتاب‌های متعددی در دفاع از تشیع و بویژه مبحث امامت نوشت.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

حوزه کلام در خراسان

تشیع در خراسان و در شهرهای مختلف، از جمله در سبزوار[۱] و نیشابور، ظهور و بروز داشت. اما شهر نیشابور دارای گرایش‌های کلامی بیشتری بود. علما و متکلمان نامدار شیعی از اواخر حضور ائمه (ع) و اوایل غیبت صغری در این شهر می‌زیستند. مشهورترین این عالمان فضل بن شاذان نیشابوری بود که یکی از نوادر علمای شیعه درقرن سوم به حساب می‌آید و از نظر دقت علمی، سرآمد بسیاری از علمای دیگر بود. کتاب «ایضاح» او شاهدی بر این مدعاست. ابن عبد جرجانی از متکلمان شیعی درنیشابور بود که از گرگان به این شهر آمد. وی تحت‌تأثیر مکتب کلامی بغداد بود و کتاب‌هایی از وی ذکر شده است؛ از جمله، تفسیر قرآن او.

در ماوراءالنهر در شهر سمرقند و کش، تشیع ظهور داشت. وجود افرادی از صحابه ائمه علیهم‌السلام نشانگر وجود تشیع در این بلاد بود؛ به عنوان نمونه حسین ابن شکیب سمرقندی ازجمله این افراداست که بنا به گفته شیخ طوسی از اصحاب امام هادی(ع) و مقیم سمرقند بود.

حوزه کلام در عراق

در شهر کوفه نیز متکلمان و محدثان حضور فعالی داشتند. در عصر غیبت این شهر گرچه موقعیت علمی خود را حفظ کرده بود، همانند گذشته نبود، زیرا

۱- یکی از دلایل تشیع آن، مهاجرت‌های زیادی است که سادات از شهرهای مختلف روی بدان نقطه داشته‌اند و تعداد آنها نیز بسیارزیاد بوده است. (ابن فندق، تاریخ بیهق، ص۶۶-۵۴، خاندان سادات بیهق)

از سید بحرالعلوم نقل شده: که بیهق ناحیه معروفی از خراسان بین نیشابور و بلاد قومس (دامغان فعلی) است که مرکز آن سبزوار است و از بلاد شیعی امامی در قدیم و جدید است. اهالی آن در تشیع مشهورتر از خواف و باخزر هستند. (سید بحرالعلوم، روضات‌الجنات، ص۲۵۳) مستوفی در ذکر مذهب مردم بیهق می‌نویسد: مردم آنجا شیعه اثنی‌عشری‌اند، (مستوفی، نزهةالقلوب، ص۱۵۰) قنبر، غلام حضرت علی (ع) در این دیار سکنی گزید و به نام فرزند او شاذان بن قنبر مسجدی در بیهق وجود دارد. (ابن فندق، تاریخ بیهق، ص۲۵)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

شکل‌گیری تدریجی حوزه بغداد به عنوان مرکز مکتب کلامی و شهر قم به عنوان مرکز حدیثی شیعه امامیه موجبات ضعف حوزه علمی کوفه را فراهم ساخت. با این همه، خاندان‌های علمی شیعی چون آل اعین و آل نهیک در این شهر می‌زیستند. آل اعین زعامت علمی شهر را داشت و علی بن سلیمان، علی بن یحیی زراری و محمد بن سلیمان از عالمان دینی این خاندان در این عصر بودند. چنان‌که متذکر شدیم، رواج مکتب کلامی در عصر غیبت صغری و تألیف کتاب‌های کلامی بسیاری را در بیان اثبات عقاید شیعه در برداشت. بخش عمده این تألیفات در بغداد انجام گرفت و سهم عمده از آنها به ابوسهل نوبختی متعلق بود که بدان اشاره شد.

متأسفانه از آثار کلامی این دوره اثر چندانی باقی نمانده است. اما با این همه، مکتب کلامی این عصر دستاوردهای ارزنده‌ای داشت که موجبات تکامل کلام شیعی در آغاز غیبت کبری را فراهم ساخت.

از طبقه سوم متکلمان شیعی نام‌آوران زیادی را می‌توان ذکر نمود که در رأس آنها شیخ مفید و پس از او شیخ طوسی قرار داشتند.

گسترش دانش فقه

در زمان حضور ائمه (ع) احکام و مسائل فقهی اسلام به دلیل حضور ایشان، به تدوین نیازی نداشت و شیعیان احادیث و احکام را به طورمستقیم از امامان (ع) فرامی‌گرفتند و به آن عمل می‌کردند. اما در عصر غیبت، احکام و مسائل فقهی به دلیل وضع خاص این دوران نیاز به تدوین یافت و در شیوه تدوین نیز تحولی جدید پیش آمد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

در این شیوه به جای نقل صرف روایت یا سلسله سندهای آن، که در نهایت به امام منتهی می‌شد،[۱] فقها به استخراج احکام شرعی از روایات و احادیث پرداختند و فتواهای شرعی فقهی در هر باب، جای بیان روایت و حدیث را گرفت. این شیوه هم باب اجتهاد را برای فقها باز نمود و هم برای عموم مردم، که از آگاهی علمی و درک فقهی زیادی برخوردار نبودند، مفید بود.

مکتب فقهی جدید، نخستین بار توسط ابن بابویه (م. ۳۲۹) محدث بزرگ قمی ابداع شد، او فتواهای خود را در رساله‌ای که برای فرزندش شیخ صدوق نوشت، بیان نمود و شیخ صدوق نیز بسیاری از آنها را در کتب فقهی خود مانند من لایحضره الفقیه، المقنع و الهدایه، ذکر کرد و پس از پدر نیز این شیوه را دنبال نمود.

مکتب فقهی که در این عصر شکل گرفت، با مکتب فقهی پیشین، زمان حضور ائمه (ع) و مکتب فقهی پس از آن در اوایل قرن پنجم تفاوت داشت. در واقع می‌توان آن را انتقال از یک دوره به دوره دیگر تلقی نمود.

مکتب شیخ مفید تولد یافته مکتب فقهی این عصر بود که جامع امتیازات در مکتب فقهی راویان حدیث با مرکزیت قم، مکتب فقهی متکلمان، با مرکزیت بغداد بود و در آغاز غیبت کبری سیر تکاملی خود را طی کرد و روز به روز بارورتر شد.

۱- تا اواخر قرن سوم این احادیث در کتاب‌هایی به نام (اصل) جمع‌آوری می‌گردید، پس از چندی کتاب‌های فقهی که شامل احادیث مربوط به موضوع فقهی خاصی بود به رشته تحریر درآمد و تا اواخر قرن سوم کتاب‌هایی تحت عنوان «اصل»، «جامع»، «نوادر»، (مسایل) توسط محدثان شیعه نوشته شد که در تمام این کتاب‌ها روایات با سلسله سند آن، که در نهایت به امام منتهی می‌شد ذکر نشده بود و فقها به ذکر این روایات بسنده می‌کردند. محمد بن حسن طوسی، رسایل‌العشر، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۶هـ ص۴۵-۴۶.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

پس از شیخ مفید، شاگردان برومندش سیدمرتضی و سپس شیخ طوسی، پایه‌گذاران مکتب فقهای اصولی بودند شیخ طوسی، فقه شیعه را وارد مرحله‌ای جدید نمود و آثار عملی ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت.

مکتب حدیثی

مکتب حدیثی شیعه، مکتبی دیرپا و اصیل بود که حیات خود را با ظهور اسلام آغاز کرد. احادیث معصومین همواره منبع دانش شیعیان بوده است.

شیخ صدوق، بخشی از احادیث را در پایان کتاب (التوحید) خود آورده است. راویان احادیث در همه شهرهای شیعه‌نشین بویژه در شهر قم، که مرکز حدیثی شیعه در این عصر بود، حضور داشتند و روابط گسترده‌ای با ائمه (ع) در دوران قبل از غیبت داشتند که موجب شد تا عده زیادی از راویان و عالمان شیعه به این شهر مهاجرت کنندو شهرقم مجمع علماو راویان احادیث اهل‌بیت گردد به گونه‌ای که در آغاز غیبت صغری چندین خانواده علمی برجسته در این شهر می‌زیستند مهم‌ترین خاندان علمی شهر، اشعریان بودندکه زعامت دینی و علمی قم را برعهده داشتند. معروف‌ترین فرد این خاندان که در اوایل عصر غیبت می‌زیست، احمد بن محمد بن عیسی، بود و بنا به گفته شیخ طوسی، وی فقیه مطلق و محدث بزرگ شهر قم بود. او امام رضا (ع) را درک کرد و روایات بسیاری از آن حضرت نقل می‌کردو همچنین دارای تألیفات متعددی در عقاید و علوم قرآنی بود.

محمد بن احمد بن یحیی اشعری از دیگر محدثان بزرگ قم در عصر غیبت صغری بود و کتاب‌های متعددی از جمله موسوعه نوادرالحکمه را که شامل ۲۳ کتب فقهی بود به رشته تحریر درآورد. از دیگر کتاب‌های او کتاب المراز، کتاب الامامه و مقتل‌الحسین است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

از همین خاندان باید به سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری (متوفی ۲۹۹ یا ۳۰۱) اشاره کردکه دارای دانش وسیع بودو شخصیت ویژه‌ای داشت و از تصنیفات متعددی در موضوعات گوناگون از جمله، موسوعه فقهی الرحمه، که دارای ابواب طهارت و صلاة، زکات، صوم و حج برخوردار بود.

شیخ صدوق در ابتدای «کتاب من لایحضره الفقیه»، این کتاب را از کتب مشهور فقهی می‌نامید که مورداعتماد فقها و طلاب بود.

از دیگرآثاروی کتاب الضیاء فی الردعلی المحمدیه والجعفریه وکتاب الامامیه، مناقب الشیعه، احتجاج‌الشیعه علی زید بن ثابت فی الفرائض و کتاب نوادر است.

خاندان بابویه نیز از خاندان علمی معروف قم بودند چهره شاخص این خاندان در عصر غیبت، علی بن حسین بابویه بود که پایه‌گذار مکتب جدید فقهی در این عصر بود، وی کتاب‌های بسیاری در ابواب فقهی، توحید، و تفسیر قرآن به رشته تحریر درآورد. کتاب ارزشمند او به نام «الامامة و التبصره من الحیره» است. موضوع اصلی کتاب دربارۀ مسأله غیبت امام مهدی (عج) است.

ابن بابویه با علمای کوفه و بغداد و نایبان خاص ارتباط مستمر داشت و از طریق مکاتبه با حسین بن روح با ناحیه مقدس در ارتباط بود. او ضمن یکی از نامه‌هایش از امام مهدی (عج) درخواست کرد که از خدا بخواهد فرزندی صالح به وی عطا کند. در توقیعی که پس از آن برای وی صادر شد، بشارت ولادت دو فرزند پسر به او داده شد که یکی از آن دو، عالم بزرگ شیعه، شیخ صدوق بود.

خاندان برقی نیز از بزرگان علمی در قم بودند. چهره شاخص این خاندان احمد بن محمد بن خالد برقی بود. خاندان برقی اصالتاً کوفی و از موالیان اشعریان بودند که به ایران مهاجرت کردند و در قریه برق رود، از توابع قم سکنی گزیدند. از این‌رو به نام برقی شهرت یافتند. احمد بن محمد خالد از محدثان بزرگ قمی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

در عصر غیبت صغری بود و دارای تصانیف متعددی بود. شیخ طوسی نزدیک به یکصد کتاب در موضوعات مختلف فقهی، قرآنی، تاریخ و موضوعات کلامی و عقیدتی از وی نام برده است.

از دیگر دانشمندان و محدثان قم در این عصر، ابن قولویه جعفر بن محمد (متوفی ۳۶۲) بودکه کتاب‌های متعددی درابواب فقهی نوشته و ازکتاب‌های ارزنده وی که به دست ما رسیده، جامع‌الزیارات است که به نام کامل‌الزیارات چاپ شده و در باب فضیلت زیارت معصومین (ع) به خصوص زیارت امام حسین (ع) است.

محمد بن حسن بن فروخ‌الصفار (متوفی ۲۹۰) نیز از دیگر دانشمندان قم و از اصحاب امام حسن عسکری (ع) بود که در باب مسائل علمی با آن حضرت مکاتبه داشت و بیش از سی کتاب در ابواب فقهی از او ذکر شده است. از جمله بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد (ص).

عبدالله بن جعفر حمیری از دیگر علمای مشهور قم در عصر غیبت صغری بود که آثار مختلفی داشته که یکی از مهم‌ترین آنها درباره غیبت امام دوازدهم به نام الغیبه و الحیره است و دیگری کتاب قرب‌الاسناد می‌باشد.

به جز حمیری، محدثان دیگری چون علی بن ابراهیم قمی، ابن بابویه، قرب‌الاسناد داشتند که حاوی اخباری درباره امام صادق و امام رضا (ع) است.

علی بن ابراهیم قمی از محدثان و فقیهان قم در این دوره و از استادان کلینی و صاحب تصانیف متعددی در موضوعات قرآنی، تفسیر، قرب‌الاسناد بود که جمعاً ۱۵ کتاب از وی نام برده شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

شهرری،[۱] بیشترین تأثیر را از مکتب حدیثی قم گرفت از این‌رو دارای مکتب حدیثی، همانند قم بود و محدثان و راویان چندی در این شهر می‌زیستند. از نخستین محدثان مکتب ری، دراین عصر، می‌توان به سهل بن زیادآدمی اشاره کردکه از اصحاب امام حسن عسکری (ع) بود که ابتدا به قم، و سپس به شهرری مهاجرت کرد و در آن سکنی گزید.

از دیگر محدثان شهرری، محمد بن حسان رازی بود. وی کتاب ثواب‌القرآن را تألیف نمود.

اما شخصیت ممتاز علمی شهرری در این عصر، محمد بن یعقوب کلینی است او شیخ شیعیان در ری و احادیث وی از همه قابل‌اعتمادتر و مطمئن‌تر بود و مشایخ او اکثراً محدثان قمی بودند. کلینی، تألیفات متعددی داشت که مهم‌ترین آنها موسوعه حدیثی الکافی، بود که مجموعه‌ای حاوی ۱۶۱۹۹ حدیث در ابواب مختلف، اصول و فروع و اخلاق و سیره، آداب و سنن، که با نظم و ترتیب خاصی در طی بیست سال به رشته تحریر درآمد و از دستاوردهای مکتب حدیثی این عصر محسوب می‌شود.

حوزه فقه و حدیث در خراسان و ماوراءالنهر

اشاره شد که تشیع در خراسان و در شهرهای نیشابور و سبزوار و در ماوراءالنهر در سمرقند و کش بروز و ظهور بیشتری داشت. در شهر نیشابور و در

۱- وجود مقبره حمزهٔ موسی بن جعفر در این شهر که احتمالاً در اواخر قرن دوم یا اوایل قرن سوم رحلت کرد نشانه حضور زمینه‌های شیعی در شهرری بود. حضرت عبدالعظیم به زیارت این قبر می‌رفت (منتقله، الطالبیه، ص۷۵، کریمان، ری باستان، ج۱، ص۳۸۴) در این شهر قبل از اواخر قرن سوم گرایش شیعی رواج داشت. (کریمان، ری باستان، ج۲، ص۵۲)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

اوایل غیبت صغری، برخی علمای مشهور شیعی می‌زیستند. مشهورترین عالمان این شهر، فضل بن شاذان نیشابوری است که از اصحاب امام رضا (ع) بود. شاگردان او پس از وی گردانندگان مکتب نیشابور بودند که نام برخی از آنها ذکر شده است مانند علی بن شاذان و محمد بن شاذان علی بن قتیبه نیشابوری و محمد بن اسماعیل بندقی که از مشایخ روایت کلینی بود.

شهر سمرقند در این عصر از پایگاه‌های علمی شیعه بود. موقعیت علمی این شهرمدیون فعالیت‌های‌علمی، محمدبن مسعودعیاشی بود. وی ازبزرگ‌ترین عالمان شیعه در این ناحیه بود. استادان و مشایخ او گروهی از محدثان قمی، کوفی، و بغدادی بودند. عیاشی در سمرقند مجالس درس و بحث دایر نمود و شاگردان بسیاری در سمرقند پرورش داد که از آن جمله می‌توان به ابو عمروکشی صاحب کتاب رجال و محمد بن نعیم سمرقندی اشاره کرد. از میان تألیفات متعددی که برای او ذکر شده فقط تفسیر قرآن وی برجا مانده است که البته کامل نیست.

از دیگر چهره‌های شاخص حوزه سمرقند، حسین بن اشکیب سمرقندی است که از اصحاب امام حسن عسکری (ع) و پرورش یافته مکتب قم و فقیهی متکلم بود. وی کتاب‌هایی در رد زیدیه نوشت.

از دیگر شاگردان به «حیدر بن محمد بن نعیم» که نزدیک‌ترین شاگرد «عیاشی» بود، اشاره نمود. او تمام مصنفات و اصول شیعه را از طریق مشایخ قمی روایت می‌کرد. هم‌چنین راوی کلیه مصنفات عیاشی بود. بنا به گفته شیخ طوسی او هزار کتاب از کتاب‌های شیعه را به قرائت و اجازه، روایت می‌کرد و با (عیاشی) در روایات بسیاری شریک بود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

نتیجه

توزیع جغرافیایی مناطق شیعه‌نشین در عصر غیبت صغری با فعالیت علماء رونق یافت و علوم مختلف کلامی، فقه و حدیث با تولدی دیگر توانست در دوره مذکور بر مناطق جغرافیایی موردنظر اعتبار بخشد. در این دوره کتاب‌های حدیث بسیاری تألیف شد. جمع‌آوری و حفظ احادیث ائمه و بویژه آن بخش از احادیثی که عقاید امامیه را مشخص می‌کرد، مسئولیتی بود که علمای امامیه در این دوره به عهده گرفتند و به همت آنها، تدوین متون حدیثی و جمع‌آوری آنها در یک متن واحد، انجام گرفت. اولین کتب اربعه که از کتب مرجع امامیه است در این دوره به وجود آمد و محدثان بزرگی چون محمد بن یعقوب کلینی که در رأس محدثان این عصر محسوب می‌شد، ظهور یافتند.

در این دوران، راویان حدیث، طبقه‌بندی شدند و درجه اعتبار هرکدام موردبررسی و تحقیق قرار گرفت تا فقها با دورشدن از عصر حضور امام (ع) بتوانند به اطلاعات دقیق و صحیح، نائل گردند. همچنین فهرست‌هایی برای ثبت و ضبط مجموعه تألیفات اصحاب ائمه (ع) تهیه، و متون فقهی گوناگون آماده شد و مرحله فقه استدلالی نیز آغاز گردید و شیوه استنباط و فقاهت نیز کم‌کم شکل روشن خود را یافت، و تعدادی از مراکز علمی، آموزشی و تحقیقی، تأسیس گردید. اشاره شد که دو مکتب فقهی عمده در این دوران شکل گرفت. مکتب فقهی راویان حدیث با مرکزیت قم و دیگر مکتب فقهی متکلمان با مرکزیت بغداد.

بدین‌ترتیب شکل‌گیری و تکوین اولیه تحولات در مبانی مرجعیت علمی تشیع در عصر غیبت صغری صورت گرفت و دستاوردهای آن چند دهه پس از غیبت صغری بروز یافت و دوران شکوفایی فرهنگی تشیع را پدید آورد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

فهرست منابع و مآخذ

۱- ابن‌بابویه قمی، علی‌بن‌حسین، الامامه والتبصره من الحیره، قم موسسه آل البیت، ۱۴۰۷ق.
۲- ابن صفار، محمد بن حسن فروخ، بصائرالدرجات، قم، مکتب المرعشی، ۱۴۰۴ق.
۳- ابن طباطبا، منتقله الطالبیه، نجف، مطبعه الحیدریه، ۱۹۶۸م.
۴- ابن فندق، ابی الحسن علی بن ابی القاسم زید البیهقی، لباب‌الانساب و الالقاب و الاعقاب، تحقیق سیدمهدی‌رجائی، قم، نشرمکتبه آیت‌الله‌العظمی المرعشی، ۱۴۱۰ق، الطبقه الاولی.
۵- استخری، ابواسحاق ابراهیم، المسالک و الممالک، ترجمه ایرج افشار، تهران، مؤسسه علمی و فرهنگی، ۱۳۹۸ش.
۶- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، (ابن فندق) تاریخ بیهق، تصحیح احمد بهمن‌یار، تهران، چاپ افست، مروی، ۱۳۱۷ش.
۷- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب‌الاسناد، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۱۳ق.
۸- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۹۰ق.
۹- صدوق، التوحید، قم، مؤسسه النشر الاسلامی؛ قم ۱۳۹۸ق.
۱۰- صدوق، کمال‌الدین‌وتمام‌النعمه، ترجمه آیت‌الله‌کمره‌ای، قم، کتابفروشی‌اسلامیه، ۱۳۷۷ش.
۱۱- طوسی، محمد بن الحسن، کتاب الغیبه، طهران، مکتبه نینوی الحدیثه، ۱۳۹۸ق.
۱۲- طوسی، محمد بن الحسن، رسایل‌العشر، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۶.
۱۳- قزوینی رازی، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل، النقض، معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
۱۴- قمی، حسن بن محمدبن حسن، تاریخ‌قم، تصحیح‌تهرانی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۱ش.
۱۵- کشی، اختیار معرفه‌الرجال، المعروف برجال الکشی، محمد بن الحسن الطوسی، تصحیح و تعلیق میرداماد استرآبادی، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.
۱۶- مفید، محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج‌الله علی العباد، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران انتشارات علمیه اسلامیه، بی‌تا، ۱۳۴۶ش.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۱۷- النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، الرجال، قم، مکتبه، الداوری، ۱۳۹۸ق.
۱۸- نوبختی، ابومحمد الحسن بن موسی، فرق‌الشیعه، ملحقات علامه سیدمحمدصادق بحرالعلوم، نجف مطبعه الحیدریه، ۱۳۵۵ق.
۱۹- حسین تفرشی، سیدمصطفی، نقدالرجال، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۸ق.
۲۰- الخوانساری، میرزامحمدباقر، روضات‌الجنات، قم انتشارات اسماعیلیان، طبع اول، ۱۳۹۰.
۲۱- دوانی، علی مفاخراسلام، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
۲۲- شوشتری، شیخ محمدتقی، قاموس‌الرجال، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
۲۳- شوشتری، قاضی نورالله، مجالس‌المؤمنین، تهران، نشر اسلامیه، بی‌تا، ۷۵-۱۳۷۶ش.
۲۴- کریمان، حسین، ری باستان، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۵-۱۳۴۹ش.
25-MADELONG, “ALMAHDI”, Encyclopedia of Islam, Vol, 1. Leiden, 1980.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]